نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و ششم – شماره ۱۰۷۶
چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲   ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

بوشهر؛ از شهر موسیقی ایران تَا چشم‌اندازِ جهانِ موسیقَی



آقای استاندار در مقابل لغو مجوز فستیوال کوچه ، پاسخگو باشید

روز بوشهر گرامی‌باد

بوشهر؛ بندری تجاری با فرهنگ و موسیقی غنی و رازهای بسیار

عکس از فرشاد گیتی‌زاده

اجرای ٤ برنامه شاخص به‌مناسبت روز قرآنی بوشهر

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر و دبیر شورای هماهنگی و گسترش فعالیت‌های قرآنی استان بوشهر از برگزاری چهار برنامه شاخص قرآنی به مناسبت ۱۶ اسفند روز قرآنی بوشهر خبر داد.

عبدالرحیم افروغ با اعلام این خبر به خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر گفت: این چهار برنامه شاخص شامل «گردهمایی قرآنیان استان»، «کاروان قرآنی»، «نمایشگاه قرآن و عترت» و «جشنواره قصه‌گویی قرآنی» می‌شود.

وی افزود: گردهمایی قرآنیان استان در روز ۱۶ اسفند ماه به مناسبت ارتحال عالم ربانی میرزا معتقد اهرمی ریشهری کاتب قرآن متقارن و رمزدار روز قرآنی بوشهر خواهد بود که با حضور قاریان، حافظان، مفسران و همه فعالان قرآنی برگزار خواهد شد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر بیان کرد: این گردهمایی با هدف توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی و احیای قرآنی، هم‌افزایی و ایجاد فضای صمیمی و همدلی بین قرآنیان، شناخت و معرفی چهره‌های برتر قرآن کریم به مردم و همچنین استعدادیابی آینده‌سازان و تجلیل از پیشکسوتان است. افروغ ادامه داد: کاروان قرآنی دیگر برنامه روز قرآنی بوشهر است که به‌منظور فراگیر کردن فرهنگ قرآنی در سطح جامعه و با هدف مهجوریت‌زدایی کلام وحی در بین آحاد جامعه، تلطیف فضای جامعه با انوار دل‌انگیز قرآن کریم، معرفی چهره‌های برتر قرآن کریم و همچنین استعدادیابی و تمرکززدایی فعالیت‌های قرآنی انجام خواهد شد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر یادآور شد: این کاروان از ۱۳ اسفند ماه از مرکز استان راه خواهد افتاد و جنوبی‌ترین نقطه استان؛ یعنی شهرستان عسلویه تا شمالی‌ترین نقطه آن که شهرستان دیلم است، مسیر حرکت کاروان خواهد بود و ۲۳ اسفند ماه در مراسمی اختتامیه این کاروان در بوشهر به کار خود پایان می‌دهد.

وی بیان کرد: محل اجرای برنامه‌های این کاروان محل‌های پرتردد و پر جمعیت مثل مدارس، میادین، مساجد، سواحل و پارک‌ها خواهد بود و در زمان حضور این کاروان در هر نقطه استان برنامه‌هایی متعدد از جمله تلاوت قرآن، تواشیح، سرود، تئاتر قرآنی، خوشنویسی و نقاشی قرآنی، بازی‌های کودکانه اجرا خواهد شد. وی همچنین گفت: نمایشگاه بزرگ قرآنی استان از ۱۴ تا ۲۳ اسفند ماه در سالن دبیرستان دخترانه حضرت فاطمه زهرا (س) بوشهر برگزار خواهد شد. به گفته افروغ، علاوه بر ارائه محصولات فرهنگی قرآنی در بخش‌های مختلف قرآنی، آموزش عالی و پژوهش، آموزش‌های عمومی، تبلیغ و ترویج، مشاوره بر اساس آموزش‌های قرآنی و برنامه‌های ویژه قرآنی برای این نمایشگاه در نظر گرفته شده است. وی با اشاره به اینکه همچنین همزمان با هفته قرآنی بوشهر، نخستین جشنواره قصه‌گویی قرآنی در دو بخش ویژه «بزرگسالان» و «زیر ۱۸ سال» به صورت استانی برگزار می‌شود، افزود: «معلمان قصه‌گو» و «مادران قصه‌گو» دو بخش ویژه این جشنواره است. وی یادآور شد: اجرای کارگاه‌های آموزشی و همچنین دعوت از برگزیدگان برای اجرا در صدا وسیما از دیگر برنامه‌های این جشنواره است..

نتایج انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان بوشهر

حوزه بوشهر، گناوه و دیلم

جمع آرا: ۱۰۲۹۳۲
آرا صحیح: ۸۵۲۹۶
آرا باطله: ۱۷۶۳۶

۱ – جعفر پورکبگانی با ۲۳،۰۰۳ رأی منتخب این حوزه شد.
۲–عبدالکریم جمیری ۲۱،۲۸۷ رأی
۳- تیمور یزدان شناس ۸،۸۱۰ رای
۴-غلامرضا ابراهیمی ۴،۲۷۲ رأی
۵ – لیلا انبارکی ۳،۰۳۷ رأی
۶- جعفر حسن پور ۲،۵۳۸ رأی
۷-محمد هاشمی فرد ۲،۱۸۹ رأی
۸- عبدالرسول کرمی ۱،۵۶۷ رأی
۹ – پروین دشتی‌زاده ۱،۵۵۳ رأی
۱۰ – یوسف یوسفی ۱،۴۳۸ رای
۱۱– ابراهیم عربزاده ۱،۴۳۳ رأی
۱۲ – فاطمه پولادی ۱،۳۷۳رای
۱۳ –حسین موسوی ۱،۱۹۲ رای
۱۴ – محمود حسینی ۱،۱۵۹ رأی
۱۵ – طیبه پوربهی ۱۰۵۲رأی
۱۶ – ماشاالله حیدری ۹۲۴ رای
۱۷ -سلیمه انصاری ۹۰۵ رای
۱۸–عبدالرضاجلال پور ۷۳۲ رای
۱۹ – اعظم سلامی زاده ۶۴۷ رأی
۲۰ – حمیدرضا جهازی ۶۲۲ رای
۲۱ – حسین خاجوی ۵۰۹ رأی
۲۲ –محمدامین نصوری ۴۸۱ رأی
۲۳ – قاسم زارعی ۴۵۸ رأی
۲۴ – حسین زارعی ۴۵۴ رأی
۲۵ – نسترن قدرتی ۴۳۵ رأی
۲۶ – داود بارگاهی ۳۹۵ رأی
۲۷ –خیرالله دشمن زیاری ۳۷۲ رأی
۲۸ – محبوبه اوجی ۳۱۰ رأی
۲۹ – غلامرضا حقوقی ۳۰۴ رأی
۲۰ – زهرا عرفان ۲۳۳ رأی
۲۱ – ذبیح اله روزبهانی ۲۰۱ رأی
۲۲ – خداکرم پورمؤمن ۱۸۳ رأی
۳۳ – حمید پوربهی ۱۷۲ رأی
۳۴ –عبدالامیرخواجه‌گیری ۱۷۱ رأی
۳۵ – حسین مساعدی ۱۴۵ رأی
۳۶ – محمد صاحبی ۱۴۳ رأی
۳۷ – علی اکبر مزارعی ۱۴۲ رأی
۲۸ – مجید ملک زاده ۱۴۰ رأی
۲۹ – جواد میرجهانمرد ۹۶ رای
۴۰ – محمد حبیب الهی ۸۸ رای
۴۱ – حسین بندری ۶۲ رأی
۴۲ – محمد رادسا ۴۹ رأی

حوزه دشتستان

جمع آرا: ۸۴۰۳۶
آرا صحیح: ۷۶۰۵۲
آرا باطله: ۷۹۸۴

۱. ابراهیم رضایی با ۴۳،۶۲۹ منتخب این حوزه شد.
۲.محمدرضادهقان‌فرد ۱۲،۴۰۲ رای
۳. بهروز رستمی ۶،۵۱۵ رای
۴. اسماعیل ضیاء ۳،۸۱۴ رای
۵. کیامرث صالحی نیا ۱۹۰۰ رای
۶. یاسر کارگر ۱۷۳۹ رای
۷. حسن حاجبی فرد ۱۲۸۸ رای
۸. کمال امیری ۸۲۷ رای
۹. اکبر اورا ۵۶۶ رای
۱۰. سروش جهاندیده ۵۵۱ رای
۱۱. مهدی فکوری ۵۳۷ رای
۱۲. خسرو خوش نیت ۳۸۰ رای
۱۳. حسینعلی آئین دار ۳۵۳ رای
۱۴. عبدالجواد نجفی ۲۹۸ رای
۱۵. صفر امانی ۲۶۵ رای
۱۶. سکینه بحرینی ۲۴۵ رای

حوزه دشتی و تنگستان

جمع آرا: ۷۸۹۱۴
آرا صحیح: ۷۳۸۵۸
آرا باطله: ۵۰۵۶

۱. غلامحسین زارعی با ۲۰،۲۵۷ رای منتخب این حوزه شد
۲. غلامحسین کرمی ۱۹،۵۲۳ رای
۳. سهراب انبارکی ۷،۱۹۶ رای
۴. صادق بارانی ۷،۰۲۱ رای
۵. عبدالحسن بهرامی ۳،۸۰۱ رای
۶.مجتبی جباری ۲،۸۶۰ رای
۷. عبدالمهدی ابطحی ۲،۵۹۲ رای
۸. ابوالحسن دهاز ۲،۱۱۵ رای
۹. علی بکتر ۱،۴۲۸ رای
۱۰. حسن مرادی ۱،۲۶۱ رای
۱۱. روح‌اله‌زارعی‌کوشا ۱،۱۸۱ رای
۱۲. رضا جمشیدی ۸۷۹ رای
۱۳. حسین ملایی ۶۷۷ رای
۱۴. احمد زارعی ۴۴۴ رای
۱۵. محمد نجفی اصل ۳۷۶ رای
۱۶. اردشیر رجبی ۳۴۲ رای
۱۷. ریحانه فولادی حقیقی ۳۲۳ رای
۱۸. علی روستا ۳۲۱ رای
۱۹. اسماعیل رزمی ۲۵۴ رای
۲۰. علی فقیه ۲۱۷ رای
۲۱. حسام چمکوری ۱۸۸ رای
۲۲. مهدی کللی زاده ۱۳۹ رای
۲۳. حسین جمالی ۱۳۳ رای
۲۴.محمد حسینی اصل ۱۱۳ رای
۲۵. مهدی قلندر ۸۹ رای
۲۶. علی نوری ۶۷ رای
۲۷. محمدحسن سعیدی ۶۱ رای

حوزه کنگان، دیر، جم و عسلویه

جمع آرا: ۹۶۵۶۶
آرا صحیح: ۸۳۳۴۲
آرا باطله: ۱۳۲۲۴

۱- موسی احمدی با ۱۹،۱۶۵ رای نماینده منتخب شد.
۲- نادر گنجی ۱۱،۸۸۷ رای
۳- اسماعیل بیدار ۹،۳۷۸ رای
۴- جسن بردستانی ۵،۶۹۶ رای
۵- عباس صالح‌نژاد ۵،۶۵۷ رای
۶- علی دبیری ۳،۴۳۷ رای
۷- سیدحسن حسینی ۲،۹۶۸ رای
۸- احمد ایزدپناه ۲،۶۱۹ رای
۹- محمد دراهکی ۲۲۶۳ رای
۱۰- حیدر حاجیان ۲،۲۳۱ رای
۱- عبدالرضا پنجه‌مریم ۲،۲۳۱ رای
۱۲- جمشید عسکر ۱،۹۵۰ رای
۱۳- امین حقیقت ۱،۹۲۶ رای
۱۴- مسعود تنگستانی ۱،۷۵۱ رای
۱۵- هدی خالدی ۱،۶۲۷ رای
۱۶- صادق دانش‌دوست ۱،۵۶۲ رای
۱۷- فرشید کلاه کج ۱،۳۱۵ رای
۱۸-یوسف‌حسینی‌راد ۱،۱۲۹ رای
۱۹- احمد زارعی ۸۳۸ رای
۲۰- عبدالحسین لطفی ۷۷۰ رای
۲۱ - عیسی عباسی ۵۹۰ رای
۲۲- سیدامین رفیعیان ۴۵۶ رای
۲۳- محمد جلیلی ۴۴۸ رای
۲۴- علی اکبر میرزایی ۴۲۳ رای
۲۵- ایمان یزداپناه ۴۲۱ رای
۲۶- علی کلبی ۲۳۷ رای
۲۷- جواد پرورش ۲۲۸ رای
۲۸- عسکر صداقت ۱۳۹ رای

دکتر حمید اسدپور عضو هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس:

جایگاه تاریخی بوشهر تبیین شود/ لزوم اتصال به راه‌آهن سراسری

عضو هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر با تاکید بر لزوم اتصال این استان به راه‌آهن سراسری گفت: جایگاه تاریخی بوشهر تبیین شود.



به گزارش خبرنگار مهر، حمید اسدپور در دومین پیش نشست همایش بین المللی تاریخ، فرهنگ و تمدن خلیج فارس به مناسبت روز ملی بوشهر اظهار کرد: ما از شأن تاریخی خلیج فارس که همانا تجارت است نباید غافل شویم و تاریخ گواهی می‌دهد که از گذشته تا کنون این منطقه به علت تجارت همواره مورد توجه بوده و رشد داشته است.

وی ادامه داد: بعد از ورود اسلام به ایران، مسلمانان، تجارت و دریانوردی و فنون مربوط به دریا را از مردمان بومی و ایرانیان کرانه‌های خلیج فارس می‌آموزند. استاد تاریخ دانشگاه خلیج فارس تصریح کرد: در دوران اسلامی سیراف به مرکز تجارت تبدیل می‌شود؛ سیرافی که بی نیاز از تعریف است و جامعه‌ای مدنی که آزادی فرهنگ و مذهب در آن دیده می‌شود و تجارت حرف اول را می‌زند.

وی ادامه داد: نادرشاه افشار مرکزیت نظامی، دریایی و سیاسی را به بوشهر آورد و با روی کار آمدن زندیه تجارت در بوشهر تقویت شد. همچنین در دوره قاجار آنقدر بوشهر اهمیت پیدا می‌کند که نماینده انگلیس در خلیج فارس و کنسولگری انگلیس به صورت مداوم در بوشهر حضور دارند.

اسد پور افزود: در قرن ۱۹ هیچ جا به اندازه بوشهر در تجارت رقیب ندارد و بوشهر ابر بندر می‌شود و تجار در این شهر حرف اول را می‌زنند. بازار تهران با بازار بوشهر پیوند تنگاتنگ دارد و افول بوشهر زمانی است که تجار کوچ می‌کنند.

وی بیان داشت: بوشهر باب البواب ممالک محروسه ایران بوده است و تاریخ تا کاربردی نشود چندان فایده نخواهد داشت، در واقع این تاریخ است که باید در خدمت توسعه باشد.

استاد گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس یادآور شد: بوشهر آب و هوای خوبی نداشت اما کمپانی‌های بزرگ جهان در این بندر نمایندگی داشتند. یادمان باشد که تاریخ ثابت کرده است کمپانی‌های بزرگ برای به دست آوردن منفعت و تجارت به هرجا که برای آنها سودآور باشد می‌روند.

وی اضافه کرد: کرد: باید جایگاه تاریخی استان بوشهر تبیین شود، استان بوشهر یک منطقه بی اهمیت نیست.

وی اضافه کرد: تا زمانی که تاریخ برای افتخار به گذشته باشد تاریخ راه‌گشا نیست و این جامعه تجاری است که می‌تواند کلید حل بحران، عقب ماندگی و رکودها باشد به شرط آنکه زیرساخت‌ها فراهم باشد.

اسدپور گفت: پر واضح است که تجارت و بازرگان مانند پرنده و ماهی بسیار حساس است و نباید منافعش به خطر بیافتد.

وعده استاندار بوشهر برای آغاز احداث ۲ بیمارستان جدید در کنگان و عسلویه

استاندار بوشهر گفت: مقدمات اولیه همراه با مصوبات مورد نیاز و تخصیص اعتبار برای ساخت ۲ بیمارستان در شهرستان‌های کنگان و عسلویه اخذ و در حال انتخاب پیمانکار هستیم.

به گزارش ایرنا، احمد محمدی‌زاده در گفت و گو با خبرنگاران اظهار کرد: اکنون سه بیمارستان در استان در حال ساخت است و احداث ۲ بیمارستان جدید از ۲ ماه دیگر آغاز می شود.

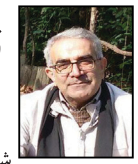
وی افزود: منابع دولتی در همه بخش‌ها قادر به پاسخگویی به رفع مشکلات نیستند و فراهم کردن زمینه همکاری بخش خصوصی برای توسعه زیرساخت‌های درمانی یک ضرورت است.

استاندار بوشهر تصریح کرد: از جمله اولویت‌های استان برای رفع مشکلات مردم، حوزه درمان است که به دنبال افزایش تخت‌های بیمارستانی، تجهیزات پزشکی و تشخیصی، نوسازی تجهیزات و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر هستیم.

محمدی‌زاده عنوان کرد: یک مصوبه جدید از دولت برای توسعه بیمارستان نبی اکرم(ص) عسلویه دریافت کرده‌ایم که می تواند بخشی از نیازهای مردم جنوب استان بوشهر به خدمات درمانی را پوشش دهد.

وی یادآور شد: با همکاری بخش خصوصی و خیران بخش‌هایی از بیمارستان نبی اکرم عسلویه در حال توسعه است.

محمدی زاده ادامه داد: در قالب اعتبار سه هزار میلیارد ریالی بخشی از تجهیزات مورد نیاز برای بیمارستان های استان خریداری شده و بخشی نیز در دست خرید است.



تفکر سنتی، قتل ناموسی؛ و جابه‌جایی نقش جنسیت

دکتر سعید معدنی

شاید یکی از سوال‌های ذهنی بسیاری این است که اگر نقش و جایگاه جنسیت در جامعه عوض می‌شد جهان چگونه جهانی بود؟ در دهه ۶۰ محسن مخملباف کتابی با عنوان "نوبت عاشقی" چاپ کرد که فیلمی هم بر اساس آن ساخته است، در این قصه جای عاشق‌ها عوض می‌شود و عاشق قبلی که توسط شوهر معشوقه‌اش کشته شده حالا در اپیزود بعدی زن خودش با همان قاتل رابطه عاشقانه دارد. در همان زمان که کتاب را خواندم، متوجه شدم "تصور جابه‌جایی نقش‌ها در جامعه" ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است. اگر در سایر امور عادی هم جابه‌جایی نقش داشتیم چه اتفاقی می‌افتاد. مثلا مثل برخی هندی‌ها، دختران به خواستگاری پسران می‌رفتند و یا به جای اصطلاح "دختر فراری"، "پسر فراری" داشتیم! این علامت تعجب را به این خاطر می‌گذارم که من هم جزوی از این جامعه هستم و به سنت و فرهنگ آن عادت کرده‌ام و فکر می‌کنیم آنچه عادی است درست است.

وقتی به این موضوعات می‌اندیشم و تخیل می‌کنم، می‌بینم نظم جامعه به هم ریخته و تصور جامعه اینچنینی برایم دشوار است. در فرهنگ سنتی ما این پدر و برادران و شوهر هستند که به ناموس خود حساس‌اند و حتی به خاطر خبطی که از زن، دختر و یا خواهر سر زده و یا حتی سر نزده و شایعه است، جنس مونث مجازات می‌شود. اخیرا در خبرها خواندم که در ایران از اول سال ۱۴۰۲ تا آخر دی ماه یعنی در عرض ۱۰ ماه، بیش از ۱۰۰ زن توسط مردان خانواده کشته شده‌اند. این صد زن با چه رنجی جان داده‌اند.

جهان امروز مردان متعصب و غیرتی را به قانون دعوت می‌کند؛ اینکه جامعه دادگاه و قاضی و وکیل و قانون و قانونگذار دارد، و حق ندارید خودسرانه زنان را شکنجه کنید یا بکشید. البته آمار ذکر شده- هر سه روز یک قتل- فقط تعداد قتل‌های گزارش شده است. معلوم نیست چه تعداد قتل گزارش نشده و چه تعداد زنان و دختران توسط مردان خانواده آسیب جسمی و روانی دیده‌اند. شکنجه و کتک زدن دختر نافرمان و هنجارشکن یکی از موارد عادی در زندگی سنتی است.

در رمان کلیدر نوشته‌ی محمود دولت‌آبادی که ماجرای داستان در اواخر دهه ۱۳۲۰ شمسی می گذرد، خواهر قهرمان داستان با پسر مورد علاقه‌اش فرار می‌کند. این فرار بالطبع ننگی برای خانواده است. خواهر پس از فرار با مرد مورد علاقه‌اش ازدواج می‌کند اما در این زندگی جدید هم روز خوشی ندارد و همراه با شوهر برای ارباب کار و کلفتی می‌کند و آب خوشی از گلویش پایین نمی‌رود. اما یکی از برادران، باید خواهر را پیدا کند و به یکی از شیوه‌های رایج فرهنگ مردانه! تنبیه کند، تا مردانگی مردان خانواده ثابت شود. یکی از برادران به نام بیگ محمد این مسئولیت را به عهده می‌گیرد. او خواهر را پیدا می‌کند، گیس خواهر را می‌برد و



با خود می‌آورد و قهرمانانه جلو پدر می‌اندازد. حالا دیگر مسئولیت تاریخی، جغرافیایی و قومی و عشیره‌ای خود را انجام داده است.

دولت آبادی این صحنه گیس بریدن را به زیبایی و هنرمندانه توصیف می‌کند. طوری که انگار شما هم در ذهن نویسنده، همراه با برادر در این جنگ و گریز شاهد رنجهای دختر هستید: «کارد بر دست راست، بیگ محمد پنجه چپ پیش برد و گلیه گیسوان خواهر به چنگ آورد. آن را به دور دست پیچاند و تیزی کارد بر گلوی خواهر گذاشت و از او خواست همچنان لال بماند پس به تندی آذرخش در یک پلک برهم زدن گلیه چپ گیسو را برید، زیر سینه قبای خود جای داد و شیرو [خواهر وی] را از کف خانه فروانداخت! ... بیگ محمد با پوزه پا به سینه خواهر کوفت، او را پس انداخت و ناگهان تازیانه از پر کمر بر کشید و فروکوفت. شیرو چون مار حلقه زد و جیغ برکشید. بیگ محمد بار دل خود را با ضربه‌های پی در پی شلاق بر پشت و شانه‌های شیرو فروریخت. تن له شده خواهر را که رنجموره‌ای از آن به گوش می‌رسید کف خانه به جا گذاشت و بیرون آمد.»

از این صحنه تلخ فاصله بگیریم و برگردیم به سوال اول یادداشت اینکه اگر جا به جایی نقش داشتیم جهان چگونه بود؟ تصور کنید در این صحنه خواهر غیرتی در پی برادر می‌رفت و او را می‌یافت، کتکش می‌زد، بخشی از مثلا گوشش را می‌برید و می‌آورد و جلو مادرش می‌انداخت تا غیرت خواهری را نشان دهد.

به این فراز از یادداشت نخندید. بلکه به این فکر کنید چه کسی این مسئولیت را به مردان داده که به جای زنان تصمیم بگیرند و آن‌ها را کتک بزنند و یا بکشند؟ همچنین به جای یکصد زن و دختری که به دلایل ناموسی کشته شده‌اند، یکصد مرد توسط زنان به دلایل ناموسی کشته می‌شدند. گرچه مردانی هم توسط همسران‌شان کشته می‌شوند اما دلایل ناموسی و فرهنگی ندارد بلکه علت و انگیزه های دیگری دارد.

باید به مردان فهماند در جامعه جدید زن دارای حقوق فردی و اجتماعی است. هر کس نمی‌تواند خودسرانه تصمیم به مجازات بگیرد، اما ظاهرا تا رسیدن به این بلوغ فکری و اجتماعی راه درازی داریم.

زندگی آگاهانه

موفقیت نه به هر قیمتی

حسین زیراهی – مدرس توسعه فردی



موفقیت خیلی خوب است ولی به هر قیمتی خوب نیست. یکی از مشکلات ما انسان‌ها این است که هر کدام از یک طرف بام می‌افتیم. عده‌ای هیچ تلاشی برای موفقیت در زندگی‌شان نمی‌کنند. برخی هم برای رسیدن به موفقیت زندگی خود را نابود می‌کنند. در مورد روش‌های رسیدن به موفقیت همه جا صحبت می‌شود. ولی تقریبا کسی در مورد آسیب‌های موفقیت غیرارگانیک صحبت نمی‌کند. حال ببینیم چرا رسیدن به موفقیت با هر قیمتی می‌تواند آسیب‌رسان باشد.

انسان تمایل زیادی دارد که در هر کاری زود به نتیجه برسد. فکر می‌کند اگر به جای پنج یا ده سال تلاش آرام و مستمر، آن تلاش را بصورت فشرده در یک سال انجام دهد همان نتیجه بدست می‌آید. نتیجه این‌که در آن یک سال قید همه چیز را می‌زند؛ تفریح، استراحت، خواب، خانواده، دوستان و کلا زندگی. فارغ از این‌که این روش معمولا جواب نمی‌دهد، آن‌چه در مقابل از دست می‌دهد معمولا قابل جبران نیست. اگر موفقیت را رشد و تغییر مثبت درونی انسان تعریف کنیم، بنا بر ذات انسان و طبیعت حیات همه چیز در یک نظم آرام و تدریجی بدست می‌آید. مانند رشد و نمو موجودات که با سرعتی مشخص رخ می‌دهد و دستکاری در آن به نتایج غیرمنتظره می‌رسد.

بنابراین حتی اگر بپذیریم که می‌توان با کم کردن زمان به موفقیت رسید، باز هم آسیب‌های ناشی از آن را نمی‌توان حذف کرد. تمام تلاش ما برای موفقیت در زندگی در اصل برای این است که زندگی بهتری داشته باشیم. اگر برای رسیدن به موفقیت به زندگی آسیب بزنیم نقض غرض است.

یکی از آسیب‌های ناشی از تلاش زیاد و فشرده از بین بردن قابلیت تولید خود است. مغز و بدن حد مشخصی از فشار را می‌تواند تحمل کند. وقتی بیش از حد به آن‌ها فشار می‌آوریم یا نتیجه خوب نمی‌دهد یا آسیبی می‌بینند که بعدا قابل جبران نباشد. آسیب دیگر موفقیت به هر قیمتی، به اطرافیان است. اگر وقت کافی برای خانواده خود نگذاریم بعدا قابل جایگزین شدن نیست. والدین ما همیشه کنارمان نیستند، فرزندان ما در کودکی باید دستشان را بگیریم و همسرمان نمی‌تواند دوری ما را به قیمت حضورمان در آینده تحمل کند.

در نتیجه اگر پروژه‌ای را شروع کرده‌اید که نیاز به تلاش زیاد و پیوسته دارد سعی کنید بیشتر از شش ماه زندگی‌تان را برای آن تعطیل نکنید، چون آسیب‌زننده است.

مورد آخر هم موفقیت به قیمت بدبختی دیگران است. این را دیگر همه ما می‌دانیم. دنیا یک سیستم بسته است و هر عملی از ما سر بزند تاثیر آن بالاخره جایی به خودمان می‌رسد. نتیجه کارهای ما باید برای دنیا سودمند باشد تا دنیا جای بهتری برای خود و دیگران باشد. شاید در کوتاه‌مدت آثار مثبت یا منفی کارهایمان به ما برنگردد ولی در بلندمدت حتما برمی‌گردد.



نمایشگاه عکس گروهی «پنجاه نگاه» در مجموعه تاریخی فرهنگی سعادت بوشهر

نمایشگاه عکس گروهی «پنجاه نگاه» با موضوع پرتره محیطی و با همکاری کانون عکس مدرسه تاریخی سعادت حضور شماری از هنرمندان عکاس استان و دوستداران هنر در بوشهر گشایش یافت.

دبیر اجرایی نمایشگاه یاد شده در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: سومین نمایشگاه بزرگ عکس گروهی «پنجاه نما» تداوم دو نمایشگاه قبل بنام های پنجاه سال و پنجاه نما است که در سال های قبل برگزار شد و از تاریخ ۱۲ تا ۱۸ اسفندماه از ساعت ۱۷:۰۰ الی ۲۱:۰۰ در مدرسه تاریخی سعادت پذیرای بازدیدکنندگان است.

فرزاد گیتی‌زاده افزود: در این نمایشگاه ۵۰ عکس پرتره محیطی مختلفی با تمرکز بر سوژه‌ها و مشاغل بومی در معرض دید علاقه مندان قرار گرفته است.

وی ادامه داد: این نمایشگاه همانند ۲ نمایشگاه قبل بطور تخصصی و با یک موضوع و ژانر خاص پذیرای شرکت کنندگان هنرمند هم استانی شده که برپایی آن تنها با همت و هزینه افراد شرکت کننده بوده است.



نمایشگاه عکس گروهی «پنجاه نگاه» در مجموعه تاریخی فرهنگی مدرسه سعادت بوشهر گشایش یافت

گیتی زاده ادامه داد: شرکت کنندگان در این نمایشگاه کمال حسین پور، افسانه جعفری، پریسا جفره، ریحانه افشار، عرفان آقا بابائی، ابوالفضل ادیم، مهدیه انگالی، ساناز ایرانپور، هانیه بحرینی، علی حسن زاده، رضا جعفری، محمد جمالی، نغمه حقیری محمد خوردبین، بهروز دربندی، مرضیه دموخ، مهرناز رحیمی، کامران رحیمی، عبدالرحیم رضازاده، سید علی علیپور، رضا ریشهری نژاد، ابوالفضل زنده‌بودی، زهرا زیارتی ، فاطمه شادمهر، علی شادمهر، مسیحا شاکری مطلق، سمیه شغابی، نادیا شنبدی، رضا صفایی، رزاق عبیدی، آرزو طیعه اصل، رضوان علیمرادی، علیرضا علیزاده، مهرداد غریبی، جواد ، فرزاد گیتی زاده و امیرعلی گیتی زاده است.

وی اظهار کرد: گل‌نسا خبرخوش، غلام نژاد جبری و ثمانه فقیه دیگر شرکت کنندگان در نمایشگاه عکس «پنجاه نگاه» هستند.

گیتی زاده ادامه داد: در این نمایشگاه فاخر همچنین آثاری از سید لیلا قاسمی زاده، مهسا قایدی، سیده ساناز موسوی، سیده سولماز موسوی، سید کریم موسوی، مهدی نیک بین، ادهم وزانی، عباس هادی از عکاسان بوشهری در معرض دید علاقه مندان گذاشته شده و یک اثر نیز از مریم زندی از عکاسان بنام و پیشکسوت کشوری بعنوان هنرمند مهمان در این نمایشگاه به نمایش درآمده است.

وی تاکید کرد: امید است این نمایشگاه بتواند هنر و توانمندی عکاسان شرکت کننده را بخوبی به بازدیدکنندگان خود معرفی کرده و بتوان زمینه ساز کشف استعدادهای درخشان جوانان در عرصه هنر عکاسی باشد.

گیتی زاده افزود: این نوع نمایشگاهها همچنین فرصتی برای ایجاد انگیزه برای گرایش نوجوانان و جوانان به هنر مفرح عکاسی و پر نمودن اوقات فراغت آنان است.



بوشهر؛ از شهرِ موسیقی ایران تا چشم اندازِ جهانِ موسیقی

(تاکیدی دوباره بر نقش و تاثیرگذاری هنر موسیقی بوشهر در شناساندن و نمایاندن دیرینگی تاریخی و جغرافیایی حوزه ی تمدنی و فرهنگی بندر بوشهر)

حماسه حق‌پرست – پژوهشگر، مدرس و نوازنده

پیش درآمد: موسیقی بوشهر؛ خود به تنهایی می‌تواند پنجره ای گشاده رو به دریای فرهنگ و هنر باشد تا با تابیدن نور و نوا و سازها و آوازهایش، دیرینگیِ یک تاریخ را واگویه کند! چه؛ بوشهر، به راستی شهرِ موسیقی است و چشم اندازِ جهان موسیقی نیز هم توانست باشد!

حضور بزرگان ملی و جهانی در موسیقی بوشهر و موسیقی بوشهر، تحقیقات و پژوهش‌ها و جستار موسیقایی دانشمندان و فرزانگانی همچون پروفسور محمدتقی مسعودیه، یوزف کوکرتز آلمانی و سرکار خانم فوزیه مجد و پژوهشگر و موسیقیدان برجسته ی ایران زمین، محمدرضا درویشی و دیگرانی از این گروه خود گواهی است بر این سخن.

آن هنگام که در آمایش سرزمینیِ جغرافیایی چون بوشهر، به فصل مربوط به فرهنگ و هنر می‌رسیم و از دریچه ی آن چه فرهنگ و هنر نامیده می‌شود، نشانه‌ها، قابلیت ها و شاخص های توسعه ی استان و نیز راهبردها و راهکارهای ممکن فرهنگی و ممکن‌های هنری خاصه موسیقایی موجود را در بازه‌ی زمانی منطبق با طرح آمایش سرزمین «بوشهر»- بررسی می کنیم، بی تردید پی خواهیم برد که نقش برجسته فرهنگ و هنر در استان بوشهر، می تواند پا به پای بروز و نمود جهان سخت‌افزاری میادین انرژی- صنعت نفت و گاز- سهم به سزا و درخوری را به خود تخصیص داده و در حوزه‌ی نرم افزار که همانا افکار و سنن و آیین ها و رسوم و فرهنگ و تاریخِ یک جغرافیاست، مطرح گردد تا از این رهگذر، توانمندی‌های کمتر دیده و رصد شده‌ی استان بوشهر،آشکار و هویدا شود.

نگارنده‌ی این نوشتار بر این باور است همان‌گونه که توسعه‌ی میادین گاز و نفت و انرژی و صنعت دریانوردی و تمامی ردیف‌ها و محل درآمدی و درآمدزایی استان بوشهر و این صفحه‌ی جنوبی نقش و نمایی انکارناپذیر بر اقتصاد کلان و ملی ایران زمین سرچشمه ارزش افزوده و رشد درآمدی و تولید ناخالص ملی کشور داشته و خواهد داشت، با درک و توسعه ی مفهوم میادین فرهنگی و هنری که فاز مطالعاتی آن بر بستَر اجتماعی قابل دسترس از شمال و جنوب،غرب و شرق استان عزیز بوشهر استوار گشته است، قطعا می توان توسعه ی پایداری را در این وادی بنیان نهاد و از پتانسیل و ظرفیت های فکری- فرهنگی- هنری و قومی و آیینی و در نوع خود بی نظیرِ این استان زاویه‌ی نگاه و نگره‌ی آمایش سرزمین را درخصوص فرهنگ و هنر بوشهر تغییر داد و سهم‌القدر بیشتر و بهتری را با توجه به ریشه های فرهنگی و پیشینه ی هنری در این سامان؛ منظور نمود.

پرواضح است که بسط و گسترش هر میدان فرهنگی و پهنه‌ی هنری در این جغرافیای جنوبی با توجه به پویایی و دینامیسم نهفته در پیکره ی فرهنگ و هنر استان و رویکرد تاثیر گذار مقوله‌های فرهنگ در حوزه‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بوشهر را بر بلندای تاریخ راستین و محق خود منطبق و مطرح سازد!

مقدمه و بیان مساله: تاریخ و جغرافیای بوشهر؛ در واخوانی ها و جستارهای پیاپی خود، نشانه‌ها و نمایه‌های تازه ای که دال بر قدمت و گواه بر دیرینگی حیات فرهنگی بوشهر است، را پیش روی تمامی پژوهشگران و دوستداران فرهنگ و هنر، می گذارد و این همه را قطعا نمی توان و نباید نادیده انگاشت و پنداشت!

نخستین‌هایی که در بوشهر از پیِ هم و به دنبال یکدیگر در مسیر تکوین و تکمیل نقش خرده فرهنگ تا بالندگی کامل آن و نمود کلان فرهنگ‌های یک کشور جای خود را در مسیر تحقیق و تفحص به اثبات می رساند. همه نشان از یک حوزه‌ی تمدنی و خاستگاه فرهنگی و هنری منحصر به فرد در گستره‌ی زمانی و مکانی ایران زمین است که می تواند با گسترش گستره‌ها و میادین فرهنگی و هنری نام بوشهر را آن گونه که باید و شاید متبلور ساخت.

طرح موضوع و یافته‌ها: بوشهر؛ با دارا بودن از یک پیوند و پیکره و مجموعه و گستره‌ی گسترده‌ی موسیقایی که در میان موسیقی منطقه‌ای ایران زمین از نشانه‌های زیباشناختی منحصر به فردی در متن و شیوه‌های اجرایی برخوردار است، جای جدیت و مداقه ی آکادمیک و درک بیشتری را برای نمود و نمایاندن این هنر؛ می گشاید!

موسیقی بوشهر و موسیقی در بوشهر، از آن رو منحصر به فرد است که گوشه گوشه‌ی آن با جاری زندگی مردمانش گره خورده است! بی اغراق باید گفت که اکثریت اهل بوشهرخواسته و ناخواسته با ریتم و ملودی که دو مولفه و پارامتر اصلی تشکیل‌دهنده و از عناصر موسیقی می باشند، آشناییِ ذاتی و فطری در یک اجرای موسیقی بزمی و مجلسی دارند. مردمان بوشهر؛ خواه ناخواه با یکی از تکنیک‌های نوازندگی ریتم و وزن شناسی،آشنایند...

باری، سنکپ ها و ضدضرب‌هایی که به جا و در شوری جانانه؛ ریتم متداول و مرسوم یک رسم؛ دمام را می شکنند و با تبلور زیباشناختی ضدضرب های ساز اشکون در طنین غمبرها و دست و چوب ها دوچندان می شود. تا ارکستر مردمان کوی و کوچه و بازار در اجرای هر با شکوه تر سنج و دمام، خود را به شایسته ترین وجه ممکن، نشان دهد.

بوشهری‌ها؛ خواسته و ناخواسته مرکب خوانی و مدلاسیون و مُدگردی را در آوازهای دیرسال و دیرینه ی شروه و تحریرهایش به اجرا درمی آورند وقتی از مثنویِ آواز افشاری در مقدمه و درآمد شروه ها بهره می برند و بعد به آواز و مُد و فواصل موسیقایی دشتی و عشاق می روند و گاه شور و نوا هم می خوانند و شروه خوانی در هر منطقه و بخش گویش و لهجه و لحن خاص خود را با پیچ و خم‌ها و تحریرهای منحصر به فرد به گوش شنوندگان می‌رساند.

بیت های سور و سوگ (سرود و سرور) را در بیت‌خوانی منحصر به فرد خود در مُد و گردش‌های موسیقایی بر بستر صوتی و مد دستگاه همایون و گوشه و آواز شوشتری را استادانه می خوانند و با پرسش و پاسخ‌های پیاپی و سیاه مشق گونه‌های آوازی خود ؛ جمع و جماعتی را به خود جلب و جذب می نمایند.

به جرات و با یقین می‌توان گفت که در هیچ کجای این مرز و بوم پهناور خیامی و خیام خوانی به فرم و شیوه‌ی اجرایی مرسوم در بوشهر، شنیده نمی‌شود. به راستی کدام موسیقی‌دان ردیف‌شناس، خیام را در گوشه‌ی عراق در آواز افشاری مناسب دانسته است تا با زیباترین حالات گردش ملودیک،تلفیق شعر-رباعیات-و موسیقی، خیام خوانی گل سرسبد موسیقی مجلسی بوشهر شود در یک بداهه‌خوانی گروهی و همسرایی و همراهی گروهی موسیقایی؟! به راستی کدام استاد یا مدرس ریتم و یا کدام دکترای زیبا شناسی هنر، ریزِ دست ها را در ترجیع‌بند خیام‌خوانی، زیباترین دانسته بود تا با آموزش آن، دست‌افشانی مجلس‌نشینان را تدریس و تفهیم نموده باشد؟! تا با پاسخ های بداهه‌پردازانه‌ی خود موسیقی مجلسی و خیام‌خوانی را به طرزی شگرف و ژرف به اجرا درآورند.



نظام موسیقی مذهبی بوشهر را اما کدام اساتید موسیقی ساخته و پرداخته اند؟! و مگر غیر از این است که به زعم هر رهگذر آشنا و ناآشنای هنر موسیقی، نمی‌توان اجرای موسیقی مذهبی بوشهر را هرگز از یاد برد؟! آوازهای این فرم موسیقی از ابتدا تا انتها از آغاز تا پایان، همه و همه نظام موسیقی بوشهر به شکل اعجازانگیزی تعریف و تبیین شده‌اند.

بخشویِ موسیقیِ بوشهر یا جهانبخش و بخشی بوشهریِ موسیقیِ ملی ایران را کدام دانشکده‌ی موسیقیِ یا اساتید مسلم آواز در کدام مکتب آوازی تعلیم داده اند تا گلبانگ سربلندی موسیقی این سامان را رقم زند و پهندشت سینه‌های گشاده در این فرم موسیقایی دیگر هرگز ابهت و فخامت نوحه‌های برآمده از حنجره‌ی بی‌بدیل بخشو را نشنوند! و چهره‌ی بی‌بدیل نوحه خوانی را در تاریخ موسیقی با شش دانگ صدای خاص به ثبت و ضبط رساند.

کافی است به اجراهای متعدد به جا مانده از جهانبخش کردی زاده نظری کوتاه بیندازیم تا به اصالت‌های موسیقایی و هویت منحصر به فرد این گونه ی موسیقایی بیش از پیش پی برده شود.

اهم از این رو کافی است تا به ذکرخوانی‌ها و پامنبری‌ها گوش فرا داد تا سختی و تنوع کار را در این گونه ی آوازی -متریک- و درک و دریافت ریتم دریافته شود. پامنبری‌هایی که با متری سنگین و با همراهی پامنبرنشینان در پاسخ به منبرنشین اجرا می‌شود و گاه در شور و کاه در سه گاه و گاه در همایون به اجرای این آیین موسیقایی می‌پردازند.

راستی را کدام هنرآموز موسیقی، واحد را در اوج و متن سینه زنی جای داده تا با درنگی زیباشناسانه و به هنگام، یکنواختی اجرا شکسته شود! و اوج سینه زنی‌ها در بوشهر با تغییر الگوی متر و ضرب دنبال شود تا تمامی عوامل اجرایی: رنگ و نوانس و تندا و تمپو و دینامیک لازم به کار گرفته شده باشد در یک روایت مردمی موسیقی جمع شده در صدای جانفزای جهانبخش!

آوازها و نغمات دریایی و نِیمه ها و نغمه های آبی و کارآواها؛ را اما چه کسی آموزش داده است جز آن که باید گفت سینه هایِ گشاده یِ چون دریای دریانوردان و ناخدایان و ملاحان و جاشوان بوده است که بدین نغمات خوش و سرخوش رسیده‌اند و شورآفرین شده‌اند تا کارآواهایِ دریایی موسیقی بوشهر؛ نِیمه نام گیرند و در رپرتوارِ موسیقی بوشهر جای خوش کنند.

لالایی‌ها را کدام استاد آواز به مادران و زنان بوشهری آموخته است تا با تحریرها و ادوات آوازی برآمده از قلوبشان تاثیرگذارترین دلمویه‌ها و نغمات را به آوازی دلنشین پیوند زنند و بانگِ رود رود در آواز دشتی و در دستگاه همایون و گوشه بختیاری را در جسم و جان شنونده جاری سازند؟!

و یا آن گاه که در هنگام و هنگامه سوگ و به خاک سپاری عزیزان و از دست شده‌گان خود همسرایی تامل برانگیز و ژرفکاوانه ای را در چهارگاه به گاهِ مشایعت رفته گان، می‌خوانند.

و چهارگاه را برمی‌گزینند به وقت دیدار معبود خویش، در آغاز سفری به عتبات عالیات و چاووشی می‌خوانند در مد و مقام و دستگاه چهارگاه و گوشه ی حصار... بدرقه ی موسیقاییِ هجر و سفر برای مسافرین سفر دیار معبود...!

چاووشی در موسیقی آوازی بوشهر؛ یکی از آوازهای تاثیرگذار به وقت سفر و رفتن به سرزمینی که بر باورها و بلندای معتقدات جای خوش کرده است... .

یزله‌های شورانگیز و طربناک موسیقی بوشهر چگونه در رگ و پی بوشهری‌ها ریشه دوانیده تا بداهه پردازی دست ها و ضرباهنگ پایکوبِ هلهله ها جان بگیرد و زیباترین شکل موسیقیِ توده‌ی مردم، با ریتم و ضربآهنگ کوبنده و شورانگیز و شوریده‌وار، خلق الساعه دیده و شنیده شود! تا دست افشان و پایکوبان بداهه ترین فرم موسیقایی که بین همگان در این جغرافیا رایج و مرسوم است به اجرا درآید و هر رهگذری را مات و مبهوت و مجذوب خود نماید.

نتیجه: موسیقی در بوشهر و موسیقیِ بوشهر آن چنان در تار و پود زندگی مردم تنیده و بافته شده است و گره خورده است که گویی از لحظه ی حیات تا واپسین درودها و بدرودهای زندگی در آرامگاهی غریب حتا آن‌گاه که در چهارگاهبه مشایعت عزیزِ از دست رفته شان همخوانیِ غریب و دلهره آوری را سر می دهند.

موسیقی است، ساز است و آواز است و آهنگ و خلق جاریِ گوشه گوشه موسیقی زندگیِ مردمان سالخورده و جوانانِ فردا و نآمدگانِ روزگارانی آن سوتر که همه و همه قطعا و حتما و یقینا بر بستر یک فرهنگِ درآمیخته با تمام نُت‌های سیال در این جغرافیای رازناک و رمزآلود سیر خواهند کرد تا مگر از این رهگذار آهنگین،

بوشهر؛ چشم اندازِ جهان موسیقی گردد با این همه درون مایه‌های غالب فرهنگی دریایی‌اش...!

هم از این روست که می‌توان گفت توسعه میدان فرهنگ موسیقی در بوشهر، جای درنگ، اندیشه و پایش و آمایش فراوان و بیش از پیش دارد.

موسیقی بوشهر؛ خود به تنهایی پنجره‌ای رو به دریای فرهنگ و هنر است تا با تابیدن نور ونوا دیرینگی یک تاریخ را فریاد زند! چه، بوشهر، شهر موسیقی است... .

و باری؛ آری؛! بوشهر ، شهر شوق و شورانگیزترین جغرافیای ِموسیقی ایران زمین است... بوشهر، مقام موسیقایی خود را در جام جهان نمای گیتی بازتابانیده است در بیات ِبوشهر و در سازها و آوازهایش یزله‌گر می‌شود در یک ارکستر فیلارمونیکِ بزرگ!

که بوشهر روزگاری حتما و قطعا و به یقین، یک فیلارمونیک جهانی خواهد داشت چه موسیقی بوشهر؛ همواره در یزله ها و چلچل باد شمال است در چارسوی جهان و همیشگیِ سوغات دلدارها ...!

موفقیت دیگر برای کارگردان جوان بوشهری



«جواد غلام نژاد جبری» با فیلم کوتاه نفس این بار در جشنواره رشد دانشجویی آزاد کشور کسب عنوان بهترین فیلم کوتاه را دریافت کرد.
فیلم کوتاه نفس در ژانر اجتماعی و پرداخت فیلم به کودکان کار، اعتیاد، فقر می باشدکه مورد استقبال داوران جشنواره قرار گرفت، همچنین رئیس دانشگاه آزاد کشور دکتر طهرانچی و دکتر فرزاد جهان‌بین (معاون فرهنگی دانشگاه) در موقع اهدای جوایز، به طور ویژه از کارگردان بابت این فیلم تشکر نمودند.
لازم به ذکر است که فیلم کوتاه نفس در جشنواره بین‌المللی دانشجویان جهان بین ۱۵هزار فیلم از ۲۱۰ کشور به مرحله نیمه نهایی راه یافته است.

ادعای فرماندار بوشهر: دشمن برای کوچه‌های قدیمی بوشهر، دسیسه و نقشه دارد!



صادق امیری: در سخنان عجیبی، رحیمی فرماندار بوشهر اظهار داشته: «کوچه‌های قدیمی بوشهر در نوع خود بی‌نظیر و کم‌نظیر هستند و دشمن برای این کوچه‌ها نیز دسیسه و نقشه دارد».
خواستم از ایشان بپرسم که شماها برای کوچه‌های بافت قدیم بوشهر چه کرده‌اید و چه برنامه و طرحی داشته‌اید که حالا نگران برنامه‌های دشمن برای آن هستید؟!
مدتهاست که حتی نتوانسته‌اید چند متر سنگفرش گذر کوتی را تمام کنید تا مردم این محل و گردشگران که هر هفته در این گذر عبور می کنند این همه دچار زحمت نشوند.
اکثر کوچه‌های بافت قدیم در تاریکی رها شده و شماها اصلا توجهی به این مشکل مردم آن‌جا ندارید؟ دقیقا کنار مسجد شنبدی که شماها نگران تجمع جوانان در برابر آن بودید، مدتهاست به محل زباله و نخاله تبدیل شده و گویا برای شماها مهم هم نیست! اهالی بافت قدیم بوشهر، مشکل آب آشامیدنی دارند و بطور مکرر آب آن منطقه قطع می‌شود، شماها چه برنامه‌ای برای رفع آن داشته‌اید؟
به جای نگرانی داشتن برنامه دشمن برای کوچه‌های بافت قدیم بوشهر، بفکر داشتن برنامه خودتان برای رفع مشکلات مردم این کوچه‌ها باشید.

به یاد شادروان پرویز هوشیار در چهلمین روز کوچ

دلبستگی همیشگی به بوشهر

ابراهیم هوشیار



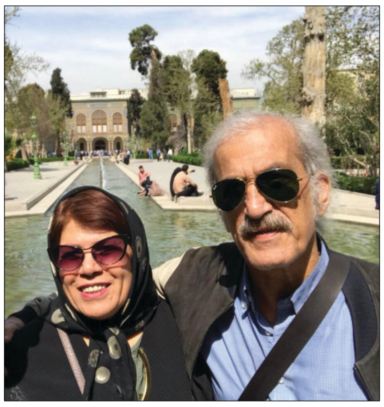
دیدی ای دل که غم عشق دگربار چه کرد
چون بشد دلبر و با یارِ وفادار چه کرد
آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت
آه از آن مستْ که با مردم هشیار چه کرد
برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر
وَه که با خرمن مجنونِ دل‌افکار چه کرد
ساقیا جام می‌اَم دِه که نگارنده‌ی غیب
نیست معلوم که در پرده‌ی اسرار چه کرد

دوستان و همشهری‌های عزیز در تمام گفتارها و نوشته‌های خود از پرویز، تجلیل و بدرستی از کردار و منش او یاد می‌کنند، تکرار این گفتارها شاید موجب ملال شود، از من به عنوان برادر کوچکتر و همراه همیشگی او انتظار می‌رود، برای بزرگداشت او خاطراتی را از او بازگو کنم، اما من سعی می کنم سیر رشد آموزشی او را نقل کنم، پرویز مثل همه ما، در بوشهر پرورش پیدا کرد و همانند همسالان خود بزرگ شد، فقط یک ویژگی برجسته داشت که او را از دیگران متمایز می‌کرد، در ادامه می‌گویم.
جایی می‌خواندم، یکی از سئوالات تست‌های آلزایم اینست که، معلم کلاس اول دبستان شما چه نام داشت، ما، نه تنها نام و یاد معلم کلاس اول آقای نجف‌زاده را به یاد داریم، بلکه نام و یاد معلم‌های بیاد ماندنی سایر کلاس‌ها را به خاطر سپرده ایم، من و پرویز مدرسه را از دبستان گلستان در محله شنبدی با مدیریت آقای رهنمایی آغاز کردیم، پس از چندی ما را به مدرسه گلستان باسیدون منتقل کردند، مدیریت به یاد ماندنی آقای رهنمایی و معلم هایی چون آقایان بازویی، کردستانی، فرخ، چنان برما تاثیر گذار بود که بعدها در کتاب «تیمسار مدیر» پرویز تجلی کرد. ورود معلم‌های شیرازی به بوشهر، شانس دیگری بود که نصیب ما شد، آقای کامفیروزی معلم کلاس ششم دبستان، علاوه بر درس، کتاب را به ما معرفی کرد، کتاب خواندن را، چگونه کتاب خواندن را و چه کتابی بخوانیم را (آقای شهرام شریف پور، در مقاله ای در نسیم، ایشان را بصورت کامل توصیف کرده‌اند)، ما، من و پرویز با فاصله دو سال، وارد دبیرستان سعادت شدیم، وچه خوش اقبال بودیم که با موج ورود جوانان بوشهری که برای تحصیل به دانشگاه و دانشسرای عالی رفته بودند، اکنون فارغ‌التحصیل شده و برگشته بودند، همه تشنه آموزش بودند، حسن برازجانی، حشمتی، فخرائی، علی برازجانی، عصفوری، غلامپور، واعظی، حمیدی، علی باباچاهی، ذکاوت، رزمکن و نازنین مهیمنی و ...و چه ها به ما آموختند. پرویز در این جو بالیدن گرفت، عاشق عکاسی شد، به هر مشقتی بود دوربینی تهیه کرد و شروع به عکاسی از سوژه‌های مردمی کرد.خیابان و بازار و هر جاکه مردم بودند، بازار ماهی فروش ها، بازار آهنگرها و... عکاسی از معماری سنتی بوشهر علاقه مفرط او بود.
بعدها هرزمان که به بوشهر بر می‌گشت وادارم می‌کرد همراه او از محله‌های قدیمی دیدن کنیم. پرویز درسخوان بود. به شوق دانستن بیشتر راهی دانشگاه مشهد شد، رشته روانشناسی را انتخاب کرد و از خوش‌شانسی در جوار آقای ایرج صغیری قرار گرفت و تاتر و نمایشنامه نویسی و سناریو نویسی و فیلمسازی را آموخت. در همین دوران قدم بعدی را برداشت و با سختکوشی دوربین سوپر هشتی تهیه کرد و با الهام از آموزه‌های دانشگاهی قدم در راه ساخت فیلم های کوتاه گذاشت.
با کمک دوستان، انجمن سینمای جوان بوشهر را پایه‌گذاری و جوانان را به ساخت فیلم دعوت می‌کرد. پس از اتمام دانشگاه به زادگاهش برگشت و به استخدام آموزش و پرورش درآمد.
دانشسرای مقدماتی و دبیرستان‌های شهر از آموزش‌های این دبیر تازه نفس بهره بردند و چه زود محبوب دل دانش آموزان و همکاران شد.
چندین سال گذشت و حاصل کارش دختران و پسرانی بودند که آموزش های او را در سراسر استان گسترش دادند. تا این که بقول عباس کیارستمی «باد ما را خواهد برد» ...
پرویز به تهران آمد و پس از سرو سامان دادن به وضعیت خانواده، برجستگی‌های او، پشتکار، انسان‌دوستی و جمع گرایی باز هم نمود پیدا کرد و جرقه تشکیل انجمن بوشهری‌های مقیم مرکز در دفتر دکتر مهرسای زده شد. پرویز دست بردار نبود، ادامه جلسات و دعوت از همشهری‌ها را با گردهمائی در سالن اجتماعات شیلات ادامه داد او با کوشش فراوان و همراهی دوستان با اجاره سالنی از شهرداری تداوم جلسات را تا مدت ها میسر کرد.
جلسات پرباری که هر ماهه برگزار و در سال‌های برگزاری شاهد حضور بسیاری از اندیشمندان و هنرمندان همشهری شد. کارشکنی‌های شهرداری و مشکل یافتن محل مناسب انجمن را به مرور به محاق برد، پرویز بازنشسته شد و دلبستگی‌های خود را با سفر به بوشهر و همکاری با نشریات شهر ادامه داد. آخرین کار سترگ او سفر به بیشتر نقاط استان و جمع‌آوری اطلاعات بوم شناسی و مردم شناسی استان بود که موفق به پایان رساندن و چاپ آن نشد، جمع‌آوری و چاپ مجموعه داستان هایش از جمله کارهای ناتمام او بود.
پرویز به مرور بیمار شد و این بختک لعنتی دم به دم او را بیشتر از پای درآورد. بیش از یک‌سال پایان عمرش را در انزوا بسر برد. با تاسف باید گفت، پرویز هوشیار که خود مبتکر جمع کردن دوستان به دور هم بود، تنها ماند و تنها رفت.


پشت صحنه فیلم "جلب" بوشهر محله کوتی ۱۳۵۴

سال‌های سخت و سخت‌تر

فریده کاردانی- همسرزنده یادپرویزهوشیار



هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق، ثبت است برجریده عالم دوام ما.
چهل روز می‌گذرد که دو برابر ۴۲ سال زندگی مشترک‌مان بر من گذشت. دوست، همفکر، همقدم و همسر را یک جا از دست داده ام در این چهل روز جای خالی و نبودش هر لحظه دلم را لرزاند و اشکم را جاری کرد. حدود پنج سال بیماری همسرم که دامنگیر خود و فرزندانم نیز شده بود، زندگی را بر ما سخت و سخت‌تر می‌کرد. هرلحظه و هر زمان که کنارش بودم دردش را تا مغز استخوان حس می‌کردم. من و فرزندانم از هیچ کوششی برای درمان ویا کندکردن بیماری دریغ نداشتیم اما انگار این بیماری دست بردار نبود و شاید به علت باهوش بودن ایشان سرعتش زیاد بود، نمی‌دانم ولی این را می‌دانم که دمانس عروقی یا آلزایمر شاید بدترین نوع بیماریست. اغراق نگفته‌ام، من به چشم خود می‌دیدم که هر سال و هر ماه و هر روز به شکلی خودنمایی می‌کرد. من به چشم خود می دیدم که چگونه عزیزترینم هر ماه بیشتر و بیشتر توان جسمی و روانیش را از دست می دهد. من به چشم خود می‌دیدم که چطور رفیق و همسرم آب می‌شود، بخصوص این چند ماه آخرکه به گمانم سرعت بیماری به ساعت و دقیقه و ثانیه رسیده بود و باورم نمی‌شدکه مردی فرهیخته، بادانش و شعوربود که اینچنین ازپای درآمده باشد که متاسفانه چنین شده بود.
به امید این که روزی علم به جایی برسدکه بتواند مثل خیلی از بیماری‌ها درمانی قطعی برای این بیماری پیدا کند. امیدوارم زمانی فرارسد که بتوانم تجربیات خود را و نحوه پرستاری و برخورد با چنین بیمارانی را در اختیار دیگران قرار دهم تا شاید گامی در جهت شناخت هرچه بیشتر این بیماری برداشته باشم.
در آخر می‌خواهم تشکری داشته باشم از فامیل، دوستان، همشهریان، هم استانیها و همسایگان عزیز که در این مدت با پیام وگل و بنر و بودن در کنار ما باعث تسلای خاطر و آرامش نسبی ما شدند. آرزوی سلامتی و طول عمر با عزت را برای همه این عزیزان دارم. ازلطف ومحبت همگی سپاسگزارم.



گردشگران دره ساسانی «تنگ جیز» دشت خشت کازرون

دکتر محمود دهقانی



با سرازیر شدن گردشگران به «تنگ جیز» جای خوشگذرانی شاهزاده‌های ساسانی در دشت خشت کازرون استان پارس، جا دارد میراث فرهنگی، شهرداری کُنارتخته و شهرداری خشت نکته هایی را یادآور شوند و در رسانه ها بازتاب دهند تا این برجا مانده‌های نیاکانی آسیب نبینند. اکنون که با فرارسیدن بهار و نوروز گفتگو از گردشگری است باید گفت مردم ایران از دیر باز مردمی شادی طلب و خوشگذران بوده اند. حتا یورش تاتار، اسکندر، اعراب و مغول نیز نتوانست فرهنگ گردشگری و خوشگذرانی را از ملت ایران بگیرد. اگر فانوس روشنگری را به روزگار هخامنشی بتابیم، در خواهیم یافت که پیشینه شادی در فرهنگ ریشه‌دار است. از دیرباز تا به امروز مردم سراسر ایران به گردشگری که خمیرمایه تندرستی و شادی است دلبستگی ژرف دارند. تجربه نشان داده موسم دل انگیز نوروز که با عوامل طبیعت هماهنگ است و بر اساس یک دورِ کامل گردش زمین به دور خورشَید که چهار فصل و دوازده ماه سال را در بر می گیرد و بر روی هم ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه است این جشن آن‌چنان زیبا سر می رسد که گردشگری در خون رگ‌های شهروند ایرانی از روزگار هخامنشی تا به امروز جاری می شود. در دو هفته تعطیلات جشن نوروز دشت‌ها، کوه و دره‌ها سرشار از گردشگران سراسر کشور است.

در روزگار پیش از انقلاب بهمن کسی برای گردشگری به دشت پرملال خشت کازرون نمی رفت. اما پس از انقلاب و نیاز بی‌چون و چرا به صنعت گردشگری مسافران نوروزی استان‌های شمالی کشور به هنگام سفر به بوشهر و شهرهای دیگر شاخاب پارس شیفته ی لیموزار و نخلستان‌های پر پشت و سرسبز سر به فلک کشیده‌ی دشت خشت و مردم خونگرم با فرهنگ آن شدند و این دشت جان گرفت.

به تازگی خانم لیلا اوتادی هنرپیشه تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران مستندی کوتاه ساخت و شبکه دو سیما آن را پخش کرد که بسیار زیبا و هنرمندانه بود. اِین هنرمند سرشناس در مستند «کُنارتخته و خشت»، نخلستان‌های دشت خشت را هنرمندانه نشان داد و از پیشینه‌ی ایل‌های دشت گفت و با نمای هوایی، ژرفنای زیبای این بخش ناشناخته ی جنوب شیراز مرکز استان پارس را به نمایش گذاشت.

دیری نپایید در رسانه های تصویری نیز فیلمی از ساخته‌های هنرمند بومی کورش زارعی، درباره سفر گروه گردشگران سیمرغ شیراز به «تنگ جیز» و «باران زنی شاه نشین» شاهزاده‌های ساسانی دشت خشت کازرون پخش شد که بسیار زیبا بود. جا دارد به برگزارکنندگان این برنامه، کوهنوردان و گردشگران از زن و مرد که با اتوبوسی زیبا به دشت خشت کازرون برای دیدار از «تنگ جیز» آمدند سپاسگزاری کنیم.

آثار برجا مانده در «تنگ جیز» دشت خشت کازرون یادگار روزگار ساسانی است. آب چشمه از فراز کوه با جویبارهای کوچک رو به سوی درّه سرازیر می‌باشد.

در تو رفتگی شیب کوه، با رویش آویشن، پرِ سیاوشان و خزه‌ها جویبارهای کَوچک چشمه جریان دارد. سنگ و خاک و خزه با یک در هم آمیختگی طبیعی قندیل بسته است. پیرامون قندیل‌های خزه بسته را بادام و انجیر کوهی و درختان دیگر فراگرفته و از سقف قندیل بسته که همچون مقرنس سقف عالی قاپوی اصفهان است، به گونه‌ی یک آبپاش بزرگ در تابستان و زمستان، آب فرو می‌چکد. برای آن که به باران همانند است، به آن «باران‌زنی شاه‌نشین» می‌گویند. چرا که شاهزاده‌های ساسانی شهر بیشاپور کازرون برای گردش و خوشگذرانی به «تنگ جیز» دشت خشت کازرون می رفتند. در موسم نوروز و بهار با چهچهه‌ی بلبل و آواز کبک و تیهو، جای دلنشینی است.

درون درّه‌ی «تنگ جیز» یک حوض با جویبارهای سنگی و دیوارهای سنگچین شده نشان از کارهای شگفت روزگار ساسانی دارد. بی گمان در معماری گردشگاه خوشگذرانی درّه‌ی «تنگ جیز»، معماران شهرسازی بیشاپور همراه با مهندسان و معماران اسیر رومی دست داشته‌اند. بر فراز این کوه یک دژ نیز که بومی ها به آن قلعه می گویند، با سنگ و ساروج بالا رفته است که آثار آن تا به امروز برجا مانده و بر فراز کوه، درست رو به روی باغ‌های نخل و لیموی دهستان بُورکی قرار دارد. این دژ اندکی یادَآور دژ الموت قزوین بوده که برای ورود به آن تنها یک راه دشوار گذر داشته است. در آغاز ورود به «تنگ جیز» آقای محمود گودرزی فرهیخته بومی دشت خشت همراه با عزیزان سر دسته کوهنوردان و بلدچین کاروان در گروه برای گردشگران به نکته‌های آموزنده‌ای در هوای پلیمه بهمن ماه اشاره و از مردم خونگرم دشت خشت سپاسگزاری کردند.

پس از آن خانمی فرهیخته از گروه کوهنوردان و طبیعت‌گردان در راستای گردشگر می‌بایست تلاش کند به طبیعت آسیب وارد نشود نشان داد گردشگران و کوهنوردان با فرهنگ، دلواپس طبیعت و محیط زیست هستند. این خانم گفتند هر چیزی را که همراه خود به طبیعت آوردید پس از گردش با خود آن را ببرید. نه چیزی جا بگذارید و نه چیزی از طبیعت با خود ببرید تا به طبیعت زیبا آسیب نرسد.

جا دارد همه‌ی آموزگاران، روزنامه نگاران، خبرنگار، شاعر، نویسنده و به ویژه شهردار کنارتخته مهندس عبدالرزاق دهقانی و همچنین شهردار خشت احمد رضا باقری به همراه سیدعلی هاشمی خبرنگار خوب و پرتلاش شهر خشت به گردشگران و ساکنان دشت خشت گوشزد نمایند تا نوجوانان از نوشتن یادبودی بر سنگ‌های دره خودداری کنند.

این کار را مسئولان آموزش و پرورش نیز در دبستان ها و دبیرستان ها می‌توانند به دانش‌آموزان بیاموزند. همچنین یادآور شوند تا گردشگران از چادر زدن بر آثار بر جا مانده باستانی و همچنین نشستن بر دیوار و جویبارهای باز مانده از روزگار ساسانی پرهیز نمایند.

از سویی میراث فرهنگی نیز تابلو شناسنامه پیشینه آثار که زنگار بسته و نوشته ها خوانا نیست را نوآباد کند. پیشاپیش نوروز این جشن پر شور جمشیدی بر همگان فرخنده باد.



کارزار رسیدگی به اوضاع نابسامان پروازهای روزانه بوشهر

مو می‌خوام برم بوشهر!

وزیر محترم راه و شهرسازی
رییس سازمان هواپیمایی کشور

بوشهر یکی از مقاصد جذاب گردشگری در سال‌های اخیر بوده است. شهری که فرهنگ، موسیقی، خوراک، دریا و در یک کلام مردمانش پذیرای ایرانیان از سراسر کشور است اما برای رسیدن به آن باید مصیبت‌ها کشید. تعداد محدود پروازهای روزانه که به‌هیچ وجه با ظرفیت‌های گردشگری این شهر و استان همخوانی ندارد تبدیل به مهم‌ترین مانع برای توسعه اقتصاد گردشگری آن شده است.

امضا کنندگان این کارزار از شما و هر مسئولی که قدرت و مسئولیت مرتبط با آن را دارد صمیمانه خواهش دارند به اوضاع بسیار نابسامان پروازهای روزانه بوشهر (که علاوه بر محدودیت با کنسلی و تاخیرهای مکرر همراه هستند) رسیدگی کنند و با حداقل دو برابر کردن پروازهای بوشهر، قدمی در راه توسعه گردشگری و اقتصاد آن بردارند و همچنین مسیر دسترسی شهروندان دیگر استان‌ها به جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی و رخدادها و رویدادهای شناخته‌شده آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی–فرهنگی را تسهیل کنند.

لینک کارزار :
https://www.karzar.net/bushehr



کتاب "پلاک‌های آشنا" منتشر شد

کتاب "پلاک‌های آشنا" اثر غلامعباس احمدی با شرحی از سیره، کرامات و عنایات شهیدانی که همچنان ناشناخته، گمنام و غریب باقی ماندند، منتشر شد. غلامعباس احمدی نویسنده کتاب "پلاک آشنا" اظهار کرد: در این کتاب سعی شده تا خاطرات با بیانی ساده و روان و به دور از پیرایه‌های اغراق آمیز روایت شود به گونه‌ای که همه اقشار و افراد بتوانند به سادگی با آن ارتباط برقرار و مروّج و معرّف شهیدان به عنوان اسوه‌های مقاومت و پایداری برای نسل‌های کنونی و بویژه آیندگان شوند.

زباله بلای جان سواحل شهرستان عسلویه

پراکندگی زباله در سواحل شهرستان عسلویه که سالانه پذیرای تعداد زیادی گردشگر بوده، ظلم مضاعف بر محیط و سیمای سواحل زیبای منطقه و صنعت گردشگری است. شورای دانش آموزی نمونه دولتی ریحانه النبی(س) بر خود واجب دانستند تا قدمی در راه پاکسازی سواحل و محیط شهری بردارند و درراستای ترویج فرهنگ جمع آوری زباله اقدام نمایند. به همین منظور به همراه تعدادی از دانش آموزان، پلاستیک زباله حاوی پیام های فرهنگی در میان مسافران گرامی شهر عسلویه توزیع نمودند و از آنان خواستند در جمع آوری زباله های خود تلاش مضاعف داشته باشند و در طبیعت رها نکنند.



تجمع اعتراضی کادر درمان استان بوشهر

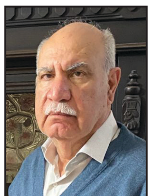
تجمع اعتراضی کادر درمان استان بوشهر مقابل استانداری بوشهر نسبت به عدم اجرای قوانین (حق مسکن ، حق ایاب و ذهاب ، حق لباس ، پرداخت اضافه کاری معوقه ، اضافه کار اجباری ، معوقات چندین ساله مطالبات).



نسیم جنوب
چهارشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ ■ شماره ۱۰۷۶

خاطرات خدمت سربازی در سپاه دانش

غلامرضا شریفی خواه



در بیستم آبان ماه سنه ۱۳۵۴ شمسی و با توجه به اخذ مدرک دیپلم و معدل کل در کارنامه قبولی، برای خدمت در سپاه دانش در دوره بیست و هفتم که از آخرین دوره‌های سپاه دانشی بود، برگزیده شدم.
نهادی که مبتکر آن دکتر پرویز خانلری وزیر فرهنگ که سربازان را به نام «آموزگاران سپاه دانش» که دوره خدمت نظامی را در روستاها و مناطق دور افتاده به سوادآموزی مردم بپردازند. اعزام نیرو از از بچه های شهر بوشهر و دیگر بخش‌های اطراف از هنگ مستقل ژاندارمری واقع در کوی سنگی به طرف شهر ساری در شمال بود. شهری زیبا و خوش آب و هوا و سبز از درختان مرکبات و ... با مردمان خوب و نازنین. حدود ۶ ماه در پادگانی در وسط شهر و با آموزش نظامی و در آخر شرکت در کلاس‌های فرهنگی و نظامی برای گرفتن درجه گروهبانی ۱ و ۲ و ۳ نایل و پس از اتمام این دوره باید وارد روستا شویم. متاسفانه تعدادی از دوستان به علت موفق نشدن در امتحانات به خدمت بدون درجه (سرباز صفر) شدند. من با درجه گروهبان سوم با دیگر هم‌قطاران به شهر و دیارمان برگشتیم و در آخر دوره مشخص گردید که ۱۸ ماه دیگر خدمت سپاه دانش را در روستای بندرعباس از استان هرمزگان به پایان برسانم. پس از چند روزی مرخصی عازم شهر بندرعباس و در آموزش و پرورش آنجا حاضر و پس از امتیاز بندی قرار بر این شد که به روستایی بسیار دور افتاده به نام «نسا» فرستاده شوم. روستایی با طبیعت بکر و فاقد مدرسه و تابع بخش حاجی آباد که نزدیک به شهر سیرجان از شهرهای استان کرمان بود و دارای آب و هوایی کوهستانی و از گرما و شرجی بندری به دور. صبح زود من به همراه آقای انصاری راهنمای تعلیماتی به قصد رفتن به روستا حرکت کردیم و حدود دو ساعت و نیم راه آسفالته با مینی‌بوس تا قهوه‌خانه «درودیه» و در آن جا پس از ناهار خوردن به انتظار ماشین‌های وانت پیکان و یا تویوتا دو کابین و در انتهای عقب ماشین سوار شدیم و پس از دو ساعتی راه شوسه ناهموار به همراه گرد و خاک به روستای شاهرود رسیده و شب را نزد سپاهی آن جا گذراندیم.
صبح هر دو با پای پیاده قریب به یک ساعت از راهی که دارای تپه و پشته و گردنه بود حرکت کردیم تا به روستا رسیدیم. باخبر شدن اهالی ده «نسا» و استقبال از سپاهی دانش با لباس فرم، دعوت به خانه‌ای شده و آقای انصاری حضوراً من را معرفی نمود. از فردای آن روز و رفتن راهنمای تعلیماتی، چند روزی مهمان هر یک از مردم گردیدم. در همین دید و بازدیدها شخصی به سیما، خوش‌رو و بدنی ورزیده و ماهیچه‌ای که از احترام خاصی برخوردار بود، نظرمرا به سویش جلب کرد و حس کردم می‌توانم با او اظهار دوستی بنمایم. روزی مرا جهت ناهار به خانه‌اش دعوت نمود و او صاحب چند فرزند پسر و دختر، خوش صحبت و شعرهایی هم می‌خواند و در حین قلیان کشیدن ادامه داد که از نوجوانی با اقوام خود به کوه‌های اطراف معروف به کوه های زرد و سرخ و برای شکار آهو به دشت و صحرا می‌رفته و الان یک شکارچی تمام عیار هست. او را «اسفندیار» صدا می‌زدند و برای شکار از دیگران تفنگ‌های جوازدار «ساچمه پران» تک لول قدیمی برای صید پرندگان و تفنگ گلوله زنی خفیف پنج تیر برای حیوانات به صورت عاریه می‌گرفت زیرا استطاعت مالی خوبی نداشت.
تعداد بیست خانوار در این دهکده زندگی می‌کردند که جملگی با هم اقوام و خویشاوند بودند و در فصل تابستان هم کوچ تعدادی از عشایر به این روستا بود. آبادی «نسا» کنار مسیله «آبراه رودخانه» قرار داشت و دارای باغات، مرکبات و سبزیجات و درختان خرما و گندم و جو ... از آب قنات که از تونل‌های زیرزمینی جاری و در گودال بزرگی که در ده بود و استفاده از آن برای آب شرب و آبیاری باغات از بهر کشاورزان و در فصل تابستان آبی خنک و زمستان گرم و ماهی «مید یا سمه» در آن شناور بودند. دو نفر از خوانین محل در آن جا زندگی می‌کردند که انسان‌های خوشفکر و همیشه با رعیت خوش رفتاری داشتند. رفت و آمد به این روستا با وسایل نقلیه «ماشین لندرور، جیب سیمرغ آهو بیابان» تراکتور و موتورسیکلت «ایژ» روسی که برای راه کوهستانی ساخته شده بود صورت می‌گرفت.
در اولین تابستان سال خدمت سپاهیان دانش استان هرمزگان را برای مدت ۲ ماه جهت آمارگیری یا سرشماری ما را به جزیره قشم اعزام می‌کردند و در این مدت فرصت مناسبی برای احداث مدرسه‌ای با دو اتاق «کلاس و اتاق معلم» بود. در جزیره قشم صبح‌ها در بخش‌های مرکزی «هُلر، درگهان» سر زدن به در خانه‌ها مراجعه و مشغول آمارگیری خانواده‌ها می‌شدیم و در اختتامیه پایان دوره جشنی با گروه موسیقی بندری و نمایش و رقص کوتاه قامتان به اتمام رسید. در اواخر شهریورماه سال ۱۳۵۵ شمسی برای بازگشایی مدرسه در مهرماه از اداره آموزش و پرورش کل، وسایل آموزشی و لوازم ساده خانگی مربوط به خودم و حدود ۶۰۰۰ تومان هم کمک به مدرسه دریافت کردم و روانه محل خدمت شده، ساخت مدرسه جدید به انجام رسیده بود و با کمک شاگردان آرم سپاه دانش را به صورت سنگ فرش به طور زیبایی در جلو دبستان درست و پرچم پرافتخار کشورمان را در وسط آن به برافراشتگی تمام درآمد. ثبت‌نام از دختر و پسر را در کلاس‌های پنج پایه‌ای شروع کردم. البته شماری از بچه‌های ده از قبل به دبستان‌های همجوار رفت و آمد می‌کردند. در اولین روز مهرماه با شرکت ساکنین، جشنی با نواختن سازهای محلی «دهل و کرنا» رقص و پایکوبی برگزار شد و در روز بعد



با «نام خدا» کلاس درس را تشکیل و تدریس را شروع کردم.
آقا اسفندیار هم از طرف اولیای دانش آموزان به سرپرستی امور خانه و مدرسه «انجمن اولیا و مربیان» انتخاب گردید. آوردن تغذیه «بیسکویت، پسته، پرتقال» هم موجب ترغیب شاگردان به مدرسه شد.
آقا اسفندیار گاهی برای شکار بز کوهی و قوچ و... عازم کوه می شد و با اصرار زیاد دو بار مرا با خود همراه کرد و کارهای جالب یک میرشکار را از نزدیک دیدم. پوشیدن کفش پلاستیکی بندی و بقچه‌ای به عنوان کوله‌پشتی که محتوای آن «آب، مقداری نان و خرما، چاقو بلند، کبریت، نمک» به همراه می‌آورد. روزی هر دو برای شکار به دامنه کوه رسیدیم. من در پایین و او مجهز به تفنگ گلوله‌ای و قطار فشنگ و دوربین دو چشمی چنان ماهرانه از صخره‌های شیب‌دار کوه بالا می‌رفت که موجب حیرت و شگفتی من شد. بعد از دو ساعتی اسفندیار از کوه پایین آمد. شگرد وی بعد از زدن شکار و ذبح آن، پوست حیوان را غلفتی به صورت مشک «خیک» درآورده و لاشه را تکه تکه و سپس در پوست جای می‌داد و به پایین حمل، و سریعاً جگر آن را کباب نمود.
روزی دیگر هر دو نفر برای شکار آهو به منطقه دشت و صحرا رفتیم و در پشت تپه ای با دوربین دو چشمی تعدادی غزال آهو را مشاهده و با رفتن اسفندیار با پای برهنه به صورت زیگ زاگی و سینه‌خیزی از پشت بوته خارهای بلند خود را نزدیک و شکار را مورد هدف قرار داد. وی همیشه تمام گوشت‌های صید را بین همولاتی تقسیم و آن‌ها هم غذاهای متنوع و خوشمزه میل می‌نمودند.
اهالی محترم این آبادی همگی انسان های شریف و نجیب و از فضیلت مهمان نوازی برخوردار، به بطوری که هیچ وقت نگذاشتند در تنهایی به سر ببرم و مرا مانند اولادشان دوست می‌داشتند. بنده هم با تمام توان در تعلیم و تربیت فرزندانشان تلاش می‌کردم.

گذراندن فصل تابستان در «کپر یا عریش»

دبستان در ابتدی روستا و با فاصله‌ای از خانه‌های مسکونی قرار داشت به همین جهت در فصل گرما تابستان روی زمین و یا زیرزمین اطراف، مارهایی از گونه «تیرمار، کُک مار» پدیدار می‌شدند. کُک مار این منطقه خزنده‌ای با قد کوتاه و به رنگ‌های زرد و خاکستری و کور و تنبل بودند ولی زهرشان کشنده و سریع انسان را به هلاکت می‌رساند، ولی کشتن آن‌ها راحت بود.
روزها من در کپری کنار اتاقم به سر به می‌بردم و جالب این که هنگام خوابیدن بعدازظهر بر روی تخت، شاگردان به دلیل آمدن مارها هر روز نوبتی مراقب بودند. موش صحرایی «خرموش‌ها» و روباه هم در آن جا فراوان وجود داشت.
در تمام مناطق استان هرمزگان بیماری مالاریا «تب نوبه، تب لرز» شایع بود و به همین جهت مأمورین اداره بهداری «بهداشت» برای پیشگیری از این عارضه، سرکشی و ساکنان محل را به مصرف داروی مالاریا یا قرص «حب» فرا می‌خواندند.
برای درس دادن به کلاس‌های پنج پایه‌ای باید برنامه خاصی را تنظیم می‌کردم. مثلاً عده‌ای از دانش‌آموزان را به انجام رونویسی ویا تکالیف مشغول تا بتوانم برای دیگران تدریس کنم.
بچه‌ها همه سرشار از مهر و محبت بودند و در به جا آوردن کارهای مدرسه و برای معلم خود کوتاهی نداشتند. آیین‌های عزاداری این روستا در ایام «تاسوعا، اربعین، وفات پیامبر» توسط اهالی تشکیل و به وسیله ضبط صوت خود نوارکاست روضه خوانی از واعظ فقید حاج آقا احمد کافی را گذاشته و در پایان مراسم، نذورات خود را از جمله «غذای خورشی و برنج و ...» تقسیم می‌کردند.
سخت‌ترین روز در دوره سپاهی دانش برای من، روز وداع با دانش آموزان عزیز و خانواده آنان بود. هنگامی که بچه‌های نازنین را به صف کردم بعد از خداحافظی با دو سه نفر، دیگر طاقت نیاورده و آنان را مرخص کردم و تا مدتی هم بعد از پایان خدمت، برای روستا و مردمانش به حالت دلتنگی به سر می‌بردم.

رسانه ورزش بوشهر، نائب قهرمان تورنمنت بین‌المللی کربلا شد



کاروان ورزشی رسانه ورزش بوشهر با دعوت نامه رسمی باشگاه لیگ برتری کربلا راهی عراق شد و استقبال باشکوهی از رسانه ورزش بوشهر از سوی اهالی فوتبال کربلا صورت گرفت. یکی از بهترین و با کیفیت‌ترین هتل‌های کربلا محل اسکان رسانه ورزش بوشهر بود.
جلسه‌ای بین حسن غریبی مدیر رسانه ورزش بوشهر و مدیران باشگاه کربلا برگزار شد و به پیشنهاد طرف عراقی قرار شد در آینده این تورنمنت وسعت بیشتری بگیرد و با حضور تیم‌هایی از کشورهای عراق، سوریه، لبنان و ایران برگزار گردد که مورد تصویب حاضرین قرار گرفت.
در روز اول این رقابت‌ها رسانه ورزش بوشهر و منتخب نجف اشرف به مصاف هم رفتند که در پایان وقت قانونی به تساوی یک بر یک رضایت دادند و در نهایت در ضیافت پنالتی‌ها رسانه ورزش بوشهر با نتیجه چهار بر دو راهی فینال شد.
در دیدار دیگر هم منتخب پیشکسوتان کربلا به مصاف شهدا ایلام رفت و با نتیجه پنج بر صفر پیروز شد تا دیگر فینالیست این رقابت‌ها شود.
فینال تورنمنت بین‌المللی کربلا میان رسانه ورزش بوشهر و منتخب پیشکسوتان کربلا برگزار شد. دیداری جذاب و زیبا زیر بارش باران که در نهایت با نتیجه یک بر صفر به سود تیم میزبان خاتمه یافت و منتخب پیشکسوتان کربلا قهرمان شد.
رسانه ورزشی‌ها در آخرین دقیقه بازی صاحب یک ضربه پنالتی هم شدند اما توپ به گل تبدیل نشد و به نائب قهرمانی این مسابقات بین‌المللی بسنده کردند.
در دیدار رده‌بندی هم منتخب نجف اشرف در ضربات پنالتی موفق به شکست شهدا ایلام شد و به مقام سومی این رقابت‌ها دست یافت.
لازم به ذکر است دومین دوره این تورنمنت به میزبانی کربلا و با حضور تیم‌های منتخب پیشکسوتان کربلا، منتخب نجف اشرف، شهدا ایلام و رسانه ورزش بوشهر برگزار گردید.



صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

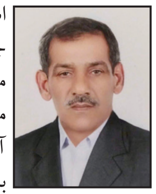
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

به مناسبت روز بوشهر

رنسانس گردشگری و هنری با فستیوال موسیقی کوچه بوشهر

حسین شادکامی



استان بوشهر با سابقه تاریخی چندین هزار ساله ، توانسته پل فی مابین فرهنگ ها و آداب و سنن، ملل باشد و ضمن تاثیر پذیری از آن‌ها، به شیوه نوینی تاثیرگذار هم باشد. آمیخته شدن با فرهنگ‌ها، فولکورها، سنت‌ها، رسومات، گوناگون (عربی، هندی، افریقایی، اروپایی) فرهنگی در خور توجه بوجود آورده است. (مراسمات مذهبی، جشن ها، پوشش ها، سرگرمی وبازی ها، هنرها، معماری و سایر غذاها و مواد غذایی...) که نسبت با سایر نقاط، تفاوت چشمگیری داشته و به همین منظور مورد توجه خاص قرار گرفته، که با سبک نوینی به سایر نقاط دوردست انتقال داده است. لذا هنر در بوشهر با زبانی مشترک در قالب آواها، موسیقی «سنج و دمام، نی انبان»، رقص، تاتر، خیام خوانی، یزله، شعر و ادبیات الهام گرفته از موقعیت این استان با سایر نقاط مختلف دنیا است.

فستیوال موسیقی کوچه یکی از نمودهای عینی این ارتباط تنگاتنگ است که به نمایش درآمد و توانست مکتب موسیقی اصیل هنری بوشهری را به عرصه ظهور رساند و با دورهمی محبت آمیز و همنوایی، وحدت را در بین جامعه بوجود بیاورد.

شور و اشتیاقی که فستیوال کوچه توانست در بین دوست داران هنر و موسیقی در بین ایرانیان بوجود بیاورد، یک رنسانس گردشگری و هنری بود که می‌تواند مهربانی و حس همدلی، در کنار هم بودن به صورت خودجوش فارغ از هر مرام، مسلک، گرایش، رنگ و زبان را با آن تجربه کرد و درک کرد که فرهنگ آمیخته با هنر در بوشهر چقدر می تواند. حس شاد بودن را برای جامعه به ارمغان آورد چرا که خوب بودن و زیستن در جوار همدیگر، یکی از ظرفیت‌های این استان است که می تواند الگویی برای جهانیان باشد.

فستیوال کوچه بوشهر، افتخاری برای استان و کشور بود

ولید صفری



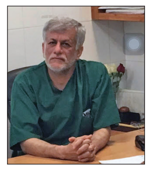
اتفاقی همانند فستیوال کوچه را می توان به عنوان یه اثر تاریخی و فرهنگی در ایران و دنیا دانست. از موسیقی اقوام محلی تا اتفاقات جبهه و جنگ و خاطرات شهدا در آن برای مخاطبان جوانان اجرا شد تا آن‌ها بدانند این موضوع تحت هیچ شرایطی به فراموشی نخواهد رفت. کوچه افتخاری برای استان و کشور بود که فرهنگ غنی و قوی را به رخ هنر دنیا کشاند و نشان داد اگر عرصه‌ای برای این پتانسیل داده شود، بدون شک می تواند همه را غافلگیر کند. بیایید حق و الانصاف با دیده مهربانانه و درست به این داستان زیبا و دلنشین نگاه کنیم. تا کی و کجا با قضاوت‌های غیر منطقی و ... بخواهید جلو این حرکت‌های اجتماعی که جز سازندگی و افتخار آفرین برای اجتماع‌مان به ارمغان آورده است، اینچنین رفتار کنید.

نه ابتذالی در کار بود و نه بی‌احترامی به کسی و جایی شد. با این اتفاقات خوب و اجتماعی با عقلانیت رفتار کنید. شادی و نشاط را از مردم نگیرید.

روز بوشهر گرامی‌باد

بوشهر؛ بندری تجاری با فرهنگ و موسیقی غنی و رازهای بسیار

دکتر عبدالرحیم مهرور



بوشهر بندری تجاری، تاریخی، فرهنگی با هزاران راز و رمز نهفته در سینه و چهره، دارای معماری فاخر و کهن، موسیقی محلی غنی و زنده، با مردمانی اصیل و مهمان نواز، از کوچه پس کوچه‌های سنگ فرش، گلی، نمناک، سبخ زار و تنگ و باریکی که از یک طرفش بادهای موسمی با نسیمی خنک و در مواردی همراه با گرمی و شرجی‌هایی که در بازار ماهی قدیمش با یزله‌های هواداران شاهین و ایرانجوان همراه با هیاهوی ورود ماهی و میگوی تازه‌ای که از خور دی سیفو و جزیره شیف آغاز شده و آن سوترش ماهیگیران محلی با جالبوتی(بلم) دیده می‌شوند که در جزیره‌های عباسک و شیخ زنگی برای صید ماهی به روش سکار و کاروف بدنبال رزق و روزی هستند و در گوشه‌ای دیگر دی (مادر) زاغو مضطرب در انتظار فرزند دلبندی هست که از دیشب با قایق پارویی (ماشوهه) دل به دریا زده و آن‌سوتر از ساحل احمدو و حمزو موینی (ماهی فروش) منتظر خرید ماهی از تشاله‌ای(کشتی چوبی کوچک) که تازه به اسکله رسیده تا ماهی را به صورت خرده فروشی بدست اهالی محلات دورتر سنگی، شکری و هلالی برسانند.



اندک اندک با پر شدن آب دریا (مد) لنج‌ها و بوم‌ها راگی (رهایی از خشکی به دریا) می‌شوند و پهلو گرفتن کشتی ژرمنی با خنی (انبار) پر از پنبه برای کارخانه نساجی بوشهر(اعتمادیه) که ورود خود را با فیدوس(بوق) زنان اعلام می‌دارد و آن‌طرفتر چند تا ناکو و بوم (کشتی‌های بزرگ چوبی) با محموله‌های چوب و چندل و درب‌های هلالی و ادویه‌جات که حکایت از آمدن سفری دور از ملیوار، زنگوار و سومالی می‌دهند که نشانه‌ای از کار و رونق بندری تجاری بوده اما اکنون به کما رفته، بندری که زمانی نه چندان دور جاشوهایش (ملوانان) نگله، نگله (بسته بسته) به دوش بر روی ارابه‌های چهار چرخ مملو از پارچه ویل با خواندن آهنگ:

جومه‌ی ویل چافی چقدر قشنگه
سر خیابون بندر چقدر قشنگه

و اجناسی که امروز به ته لنجی معروف است می گذاشتند روی این ارابه‌ها تا به مغازه‌های شهر و گاراژهای اتومیهن، تی بی تی، اتو کازرون و ایران پیما برای ارسال به خارج از استان تحویل دهند.

و دروازه (ورودی شهر) مملو از چهارپایانی که صبحگاهان آذوقه‌های روزمره را به این بندر کهن می‌رساندند.

و اما موسیقی محلی بوشهر زبان گویای گذشته، حال و آینده ماست زبان گویایی که نشأت گرفته از فرهنگی پویا از مهمانوازی و دوستی همراه با عطوفت و مهربانی‌هاست.

موسیقی که یک بعدش شادی و بعد دیگرش غمگینانه، غمی به وسعت دریایی از جدایی‌هایی دور از وطن:

ای یار ای یار / یارحالا نرو
ای نازنین یار /یار تنها نرو /ای نازنین یار

غمی که همراه با لالایی، شروه و نی‌مه خوانی‌هایی است با سوز و گداز و ظلمی که توسط اجنبی بر جامعه کارگری و موزیری (کارگران روز مزد کشتی) مستولی شده:

هله یو، هل یوسا / اجنبی خونت خراب
نمی‌کنیم کار غراب (کشتی)/ غراب غراب ژرمنه
سرتاسرش همه خنه (انبار کشتی) / هله یو، هل یوسا

موسیقی بوشهر یادگاری از امواج دریایی بی‌پی است که گاهی با آرامش و گاهی با خشم بوده، گاهی با غم و گاهی با شادی، گاهی با آواها و گاهی با نواها، گاهی با پردازش نور و گاهی با رقص باد در دالون‌ها و شناشیرها... در هم آمیخته‌اند تا فرهنگی برخاسته از تلاش و کوشش و حرکت بسوی پیشرفت و ماندگاری هم برای خود و هم برای رهگذرانی که عاشق فرهنگ و معماری جنوبند به ارمغان می آورد.

موسیقی بوشهر مجموعه‌ای از یزله، لالایی، نی‌مه، شروه، خیام خوانی و سنج و دمامی است که نظم و ریتم آن را در سینه زنی باید جستجو کرد. زیرا که هر کدام از این واژه ها خاطراتی جذاب و هیجانی از گذشتگان برایمان به میراث گذاشته است.

موسیقی بوشهر برگرفته از اشعار فایز، مفتون و خیامی است که در کنارش ناخدا عباس‌ها، نجاتی‌ها، شریفیان‌ها و بخشوها، زاده و گسترده شده‌اند و آینه زیبایی از رخ و نیم رخ مردان و زنان ساحل نشینی را باز گو می کند که با لنگوته و مینارشان (مقنعه) قلب‌های بزرگی را از معرفت اسکراب یا صیقل می‌دهند.

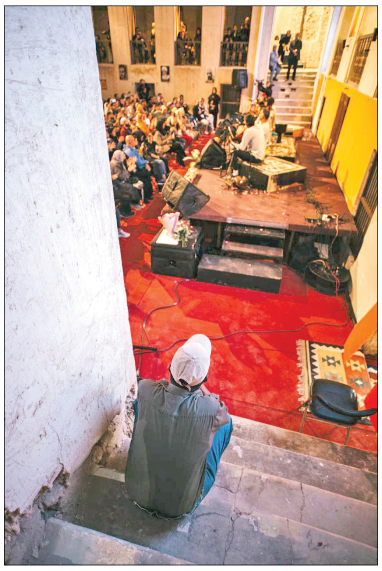
و در یک نگاه موسیقی محلی بوشهر همان هویت و صدای رسای مردم جنوبی بوده که فریادرسی ندارند بجز فریادی خنجری، که از حنجره‌های خود می آفرینند.

هجدهم اسفند روز بوشهر گرامی باد.

یزله (یک نوع شادی دورهمی همراه باپایکوبی)
خور(عمیق‌ترین قسمت دریا در ساحل)
لنگوته (لنگی شبیه دامن که مردان می‌پوشند).

آقای استاندار در مقابل لغو مجوز فستیوال کوچه، پاسخگو باشید

رضا محمودی



برگزاری فستیوال موسیقی کوچه در بوشهر بار دیگر تمام نگاه‌ها را در کشور و حتی در بین ایرانیان خارج از کشور به سمت بوشهر کشاند، به طوری که روزها گذشته عکس‌ها و فیلم‌ها و خبرهای برگزاری این جشنواره، میلیون‌ها بار دیده و خوانده شد.

اما آن‌چه باعث تلخی برگزار این فستیوال شد، جلوگیری از ادامه آن بود به طوری که دو شب از برنامه یک هفته‌ای این فستیوال که شامل شب اختتامیه نیز بود، بدون این‌که ربطی به آن‌چه در محل برگزاری فستیوال می گذرد، داشته باشد، لغو گردید.

این در حالیست که مجوز برگزاری این فستیوال پس از دوندگی‌های زیاد، از طرف نهادهای مسئول صادر شده بود ولی افسوس که دولت پای مجوزی که خود داده بود، هم نایستاد.

هنوز یادمان نرفته است که بوشهر زمانی یک استانداری داشت که پای مجوز اجرای کنسرت محسن شریفیان و گروه لیان تا جایی ایستاد که با آن همه مخالفت و ممانعت حضوری، تندروها را به عقب نشاند و باعث اجرای آن کنسرت شد، اما اکنون شاهد انفعال استاندار بوشهر در این زمینه هستیم به طوری که تاکنون نه تنها شاهد اظهارنظر وی در این خصوص نبودیم که حتی نتوانست از مجوزی که از سوی دولت برای برگزاری این فستیوال کشوری صادر شده بود، دفاع کند.

مگر می‌شود مسئولیّت اضافی را متوجه اجرای یک فستیوال کرد؟ بر اساس شهادت همه کسانی که در عمارت حاج رئیس حضور داشتند در این چند شب اجرای گروه‌های موسیقی در فستیوال، هیچ حرکت و اتفاقی بر خلاف تعهدات داده شده، انجام نگرفت، اما بی‌انصافی است که بخاطر اتفاقاتی که در بیرون از فستیوال نمی‌پسندیدند، ادامه کار یک فستیوال را لغو کنند. نمی‌توان با این شرایط و انفعال و عقب‌نشینی استاندار و دیگر مدیران دولتی، حرف از جذب گردشگر و رونق فضای هنری و فرهنگی زد! چگونه می‌توان بخش خصوصی را دعوت به سرمایه‌گذاری و انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری کرد؟! ای کاش حالا که پس از چند سال مجوز فستیوال کوچه صادر شده بود، پای این مجوز می‌ایستادند.